

نگرش زنان دانش‌آموخته به عوامل مؤثر بر اشتغال و بیکاری آن‌ها در بازار کار Graduated Women Attitudes to the Effective Factors on their Employment and Unemployment in the Labor Market

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۲/۱۱، تاریخ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۹۱/۸/۲۱، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱/۲۳

S. Tabatabaei., (Ph.D), M. Hajian., (M.A). T. Zandi Poor., (Ph.D)

Abstract: According to the development of higher education, the expansion of universities, cultural improvement, more attention women rights and their willing to go to universities, have increased. On the other hand about 60% of total Iranian student population are studying in human sciences so they need to work. Therefore, the issue of employment status of graduated people is very important. The aim of this study is to investigate the employment and unemployment status of graduated people who have completed their studies on the field of psychology, educational sciences, counseling and library of Al-zahra university. This research is casual comparative. Its data has been gained from Researcher-made questionnaire, Spector's Job Locus of Control and Sherrer' General Self Efficacy Inventories were employed as research tools. Descriptive and inferential statistics (independent t-test, k-square, single variable regression) were used to analysis the data. Out of 1320 research population, 130 was randomly selected as a sample group who graduated between 1995-2007. Results showed that Tehrani angraduated found jobs more than others and 77.2% found jobs related to their education. There was not found significant difference between social and economical factors which was effective on the labor market, but there was found significant difference between cultural and psychological factors. Job control was predicted by self efficiency. In order to improve Job control and self efficiency of graduates regarding their cultural attitudes to the labor market, suitable trainings like job preparation and entrepreneurship are suggested by researchers.

Keywords: Graduated, Attitude, Effective Factors, Employment, Unemployment, Labor market.

شهناز طباطبائی^۱، محبوبه حاجیان^۲ و طیبه زندی پور^۳
چکیده: هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل روان‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر اشتغال و بیکاری دانش‌آموختگان رشته‌های روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه الزهراء (س) از دیدگاه خود آن‌ها است. روش تحقیق، توصیفی و استنباطی و از نوع پس‌رویدادی است. تجزیه و تحلیل داده‌های تجربی، از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته (عوامل مؤثر بر اشتغال و بیکاری دانش‌آموختگان)، عوامل روان‌شناختی از طریق دو پرسشنامه - خودکارآمدی عمومی شرر و - منبع مهار شغلی اسپکتور، به دست آمده است. در این تحقیق، میزان اشتغال دانش‌آموختگان تهرانی و شهرستانی و میزان اشتغال به کار مرتبط با رشته تحصیلی آن‌ها بررسی شد. همچنین، نگرش دانش‌آموختگان در رابطه با عوامل روان‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر اشتغال و بیکاری دانش‌آموختگان، مورد آزمون قرار گرفت. گروه نمونه محقق، شامل ۱۳۰ نفر از دانش‌آموختگان رشته‌های روانشناسی و علوم تربیتی، طی ساهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۶ بود. یافته‌ها نشان می‌دهد دانش‌آموختگان تهرانی بیش از دانش‌آموختگان شهرستانی، اشتغال به کار دارند، ۷۷/۲ درصد نیز مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی خود را به دست آورده‌اند. همچنین بین نگرش‌های دانش‌آموختگان (شاغل و بیکار) نسبت به عوامل اقتصادی و اجتماعی تفاوت معناداری وجود ندارد. در حالی که در نگرش‌های دانش‌آموختگان نسبت به عوامل روان‌شناختی و فرهنگی، تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین مهار شغلی دانش‌آموختگان بیکار از طریق خودکارآمدی آن‌ها قابل پیش‌بینی است. از این‌رو، راهنمایی حرفه‌ای، مشاوره شغلی، آموزش‌های آماده‌سازی شغلی و کسب مهارت‌های مناسب برای ورود موفقیت‌آمیز به بازار کار برای دانش‌آموختگان دانشگاهی پیشنهاد می‌گردد.

کلید واژه‌ها: نگرش، دانش‌آموختگان، عوامل مؤثر، اشتغال، بیکاری، بازار کار.

۱. نویسنده مسئول: استادیار دانشکده سلامت، ایمنی و محیط زیست دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران ایران

tabshahnaz@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء (س).

۳. دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء (س).

مقدمه

زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت فعال کشور دارای نقش روزافزون و فزاینده‌ای در فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌باشند و نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود، رشد و توسعه اقتصادی ایفا می‌کنند. از طرف دیگر، ارتقای نقش زنان در فعالیت‌های مختلف اجتماعی منجر به دستیابی به فرصت‌های بیشتر برای رشد و توسعه اقتصادی می‌گردد. امروزه یکی از مهم‌ترین مباحث در حوزه مسائل زنان، مسئله تحصیلات و حضور آنان در عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی و به‌ویژه در بازار کار است (محمدی، ۱۳۸۶). حدود ۶۰ درصد از دانشجویان کشور در رشته‌های علوم انسانی مشغول به تحصیل هستند که این نیروی عظیم انسانی به‌کار نیاز دارند و بیکاری آنان یک معضل اجتماعی است و حل مشکل بیکاری یک ضرورت محسوب می‌شود. در یک نگاه کلی، دانشگاه محل تربیت نیروی تحصیل‌کرده و متخصص و صنعت نیز نهاد تولیدکننده و عرضه‌کننده کالاها و خدمات است. حال اگر ارتباط صنعت و دانشگاه برقرار باشد بخش عمده‌ای از اشتغال دانش‌آموختگان ما حل خواهد شد و نیرویی هم که تربیت می‌شود، می‌تواند در بخش صنعت، متمرکز واقع گردد (قانع‌راد، ۱۳۸۷؛ سلجوقی، ۱۳۸۵). بنابراین، زمانی که همه عوامل مؤثر در اقتصاد به‌طور کامل و کارا به‌کار گرفته شود، تولید در حداکثر و بیکاری در حداقل خود قرار دارد. البته در اقتصادی که با حداکثر ظرفیت تولیدی و در سطح اشتغال کافی فعالیت می‌کند، همواره جمعیتی به‌عنوان بیکار و درصدی به‌عنوان نرخ بیکاری وجود دارد. دلایل متعددی را برای بیکاری می‌توان برشمرد که یکی از آن‌ها شرایط بازار کار است که این بازار در ارتباط با عرضه و تقاضای نیروی کار می‌باشد. بنابراین، بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای نیروی کار، که به‌منزله مهم‌ترین عامل تولید است، به لحاظ برنامه‌ریزی بسیار اهمیت دارد (مهدی‌نژاد، ۱۳۷۹).

مسلم آن است که عوارض روانی بیکاری مانند استرس، افسردگی، کاهش اعتماد به نفس و عزت نفس، تغییر در انتظارات و سبک اسنادهای فرد بر شیوه‌های او برای جستجوی کار تأثیر می‌گذارد و در نتیجه احتمال به‌دست آوردن شغل را کاهش می‌دهد. این روند دایره معیوبی را تشکیل داده و عوارض بیکاری را تشدید می‌کند. مادام که این تجربیات مربوط به فرد است، تنها به بحران روانی او منجر می‌شود، اما اگر این بحران جمعی شود، احساس گناه محو شده و آمادگی برای قانون‌شکنی و بی‌نظمی را مطرح می‌سازد. در حالی که کار نه تنها وسیله تأمین معاش و نیازهای اقتصادی است بلکه یکی از وسائلی است که آدمی از طریق آن می‌تواند به بسیاری از نیازهای روانی و اجتماعی خود هم پاسخ گوید (زندى پور، ۱۳۸۲). همچنین اشتغال به کار می‌تواند علاوه بر ارضای شماری از نیازهای اساسی انسان موجب پرورش روح و جسم، برقراری ارتباطات انسانی، ایجاد حس ارزشمندی، اعتماد به نفس و شایستگی شود (طباطبایی، ۲۰۰۳). اما علل بیکاری دانش‌آموختگان چیست؟ مشکل بیکاری دانش‌آموختگان مثل هر مشکل

نگرش زنان دانش آموخته به عوامل مؤثر بر اشتغال و بیکاری آن‌ها در بازار کار

دیگر، ابعاد مختلفی دارد. شواهد نشان می‌دهد به جز عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، عوامل روانشناختی نیز در توضیح این مسئله مؤثر هستند. براساس مطالعات انجام شده در سریلانکا، شواهد تجربی نشان می‌دهند که مشکل بیکاری دانش‌آموختگان تماماً، یک مشکل آموزشی نیست. در واقع بخش عمده آن، یک مسئله ساختاری است که نیازمند تعادل هر دو جنبه عرضه و تقاضا در بازار کار است (چاندرا سیری، ۲۰۰۸). در کشور ما، افزایش حضور زنان و دختران در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و تمایل زنان به داشتن تحصیلات عالی و رشد قابل توجه دانش‌آموختگان دختر، به‌عنوان چالشی در رابطه با بازار کار و شرکت در مباحث اشتغال، بیکاری و دستمزد مطرح می‌گردد (محمدی، ۱۳۸۶). از سوی دیگر، در میان گروه‌های آموزشی مختلف، دختران تمایل بیشتری به گروه‌های هنر و علوم انسانی دارند ولی متأسفانه میان این گروه‌ها که تربیت نیروی انسانی را برعهده دارند و بازار کار که فرصت‌های شغلی را برای فارغ‌التحصیلان ایجاد می‌نماید، ارتباط متعادل و منطقی برقرار نیست (شریعتی، ۱۳۸۸). شاید بتوان گفت، نظام آموزش عالی در بیشتر کشورهای دنیا یکی از دو قطب تعلیم و تربیت است که مسئولیت تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد مورد نیاز جامعه را در سطوح و رشته‌های مختلف برعهده دارد اما براساس آمارهای موجود می‌توان گفت نظام آموزش عالی کشور ما نتوانسته است به‌خوبی از عهده این مسئولیت برآید. از سوی دیگر، کمبود توازن بین رشته‌های تحصیلی مختلف دانشگاهی و مهارت‌های مورد نیاز بازار کار، از مهم‌ترین عوامل عدم موفقیت فارغ‌التحصیلان در زمینه اشتغال و کارایی آن‌ها محسوب می‌شود (ارفعی، ۱۳۸۶).

وندروستوایزن^۱، اوستیزن^۲ و پاو^۳ (۲۰۰۸) در مطالعات خود اظهار نمودند که دلایل بیکاری در میان فارغ‌التحصیلان آفریقای جنوبی شامل فقدان تجربه و مهارت‌های عملی، فقدان ویژگی‌های مناسب برای تصدی شغل، کیفیت ضعیف سطوح آموزش در برخی از دانشگاه‌ها، ادامه تبعیض نژادی، فقدان مهارت‌هایی مثل مدیریت زمان، ارتباطات، تفکر خلاق، فقدان توانایی مستقل کارکردن و انتظارات بسیار بالای جویندگان کار برای کسب فرصت‌های شغلی مناسب در بازار کار، می‌باشد. هم‌چنین می‌توان دلیل عدم موفقیت دانش‌آموختگان دانشگاهی برای کسب شغل در مالزی را، تغییر ساختار اقتصادی دانست. بخش خدمات نیز افرادی را نیاز دارد که نه تنها دانش فنی دارند، بلکه از مهارت‌های ظریفی چون ارتباطات میان فردی، بلوغ و تشخیص موقعیت‌های تجاری برخوردارند. از عوامل دیگر می‌توان به کیفیت آموزش، انتظارات بالای

1. Van der westhuizen

2. Oosthuizen

3. Pauw

جویندگان کار، فقدان مشاوره تحصیلی، کمبود راهنمایی حرفه‌ای و مشاوره شغلی، اشاره کرد (زالکیلی، ۲۰۰۸).

انتقال از مدرسه به بازار کار و انتخاب شغل، از دو نگرش روانشناختی و جامعه‌شناختی مشتق می‌شود. دیدگاه روانشناسی بر ویژگی‌های فردی و گزینه شخصی در کار تأکید دارد. دیدگاه جامعه‌شناسی بر عرضه و تقاضای شغلی تأکید می‌کند و ورود به کار را روند کاریابی می‌داند. دیدگاه اول بر تغییر دستمزد، حداکثر نمودن شانس یافتن کار، تقویت انگیزه جستجوی کار، آگاه نمودن فرد از احتمال بیکاری، نحوه مقابله و سازگاری و به‌طور کلی از راه‌کارهای آموزشی و تربیتی به‌عنوان راه‌حل‌های بیکاری استفاده می‌کند و بر اخلاق و فرهنگ کار، تأکید می‌ورزد. دیدگاه دوم به تغییر در جامعه می‌اندیشد و معتقد است، بیکاری معضلی است که باید از طریق اقدامات سیاسی و اجتماعی، حل شود. در نگرش اول، نقش اطلاعات و نظام‌های کارآمد اطلاع رسانی در انتخاب شغل فرد از اهمیت خاصی برخوردار است. سؤال روانشناسان این است که چرا در شرایط یکسان بیکاری، عده‌ای در کسب فرصت‌های شغلی موفق‌اند و عده‌ای دیگر ناموفق. از نظر آن‌ها، پاسخ در ویژگی‌های شخصیتی فرد است و بستگی به میزان خودشناسی وی، آگاهی او از منابع محیطی، توانایی او در حل مسئله، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری، تصمیم‌گیری، واقع بینی، قبول مسئولیت، انعطاف‌پذیری و در مجموع، بلوغ حرفه‌ای شخص، نهفته است (زندى پور، ۱۳۸۲).

یعقوبی (۱۳۸۱) معتقد است که ارزش‌ها، نگرش‌ها و انتظارات دانش‌آموختگان روی مدت بیکاری آن‌ها تأثیر می‌گذارد. بکایی و همکاران (۱۳۸۵) در بررسی خود در مورد ارتباط شغل با رشته تحصیلی فارغ‌التحصیلان نتیجه می‌گیرند که تنها ۱۴ درصد آن‌ها در مشاغل غیرمرتبط جذب و استخدام شده‌اند. جرنی (۱۹۸۱)، داناوان و آدی (۱۹۸۲) و فرن هام (۱۹۸۳ و ۱۹۸۲)، در مطالعات خود نشان می‌دهند که افراد بیکار تمایل دارند که بیکاری را به عوامل خارجی نسبت دهند، به‌عبارت دیگر، اسنادهای آن‌ها (مرکز کنترل آن‌ها)، بیرونی است (به نقل از زندى پور، ۱۳۸۲). تیلور (۲۰۰۵) در تحقیق خود در مورد دیدگاه‌های دانشجویان استرالیایی دریافت که آن‌ها بیشتر ترجیح می‌دهند در سازمان‌های دولتی اشتغال به‌کار داشته باشند. بای (۲۰۰۶) در پژوهش‌های انجام شده در مورد دانش‌آموختگان به این نتیجه رسید که توسعه اقتصادی سریع، سیاست‌های آموزشی و اصلاحات اقتصادی از دلایل بیکاری می‌باشد. هم‌چنین وی عوامل اقتصادی، اجتماعی و تاریخی چین را در افزایش سطوح آموزش عالی بیان می‌دارد، مسئله‌ای که به عدم عرضه و تقاضا اشاره می‌کند. تانگ (۲۰۰۷) در پژوهش مشابهی در بیان دلایل بیکاری دانش‌آموختگان، اظهار می‌دارد که دولت بایستی با ایجاد انگیزه‌هایی برای توسعه بخش خصوصی در هر دو منطقه شهری و روستایی، اقدام به رفع بیکاری نماید.

نگرش زنان دانش آموخته به عوامل مؤثر بر اشتغال و بیکاری آن‌ها در بازار کار

هم‌چنین هاو (۲۰۰۸) در مطالعه خود نتیجه می‌گیرد که دلایل بیکاری را می‌توان، شکاف بین عرضه و تقاضا، ناتوانی کارجویان برای برطرف کردن نیازهای کارفرمایان، دانست و سرانجام این‌که دانش‌آموختگان اشتیاقی برای رفتن به نواحی دور از محل زندگی خود و شهرهای کوچک، ندارند. پژوهش حاضر به بررسی عوامل روان‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر اشتغال و بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاه الزهراء (س) می‌پردازد. با توجه به پژوهش‌های اندکی که در این زمینه انجام شده، اجرای پژوهش حاضر از اهمیت خاصی برخوردار است و نتایج حاصل از آن می‌تواند نشان‌دهنده نگرش دانش‌آموختگان دانشگاه الزهراء (س) به عوامل فوق‌الذکر در ارتباط با وضعیت اشتغال و بیکاری خود باشد.

سؤالات پژوهش

- ۱- آیا دانش‌آموختگان شهرستانی بیشتر از تهرانی جذب فرصت‌های شغلی می‌شوند.
- ۲- آیا اکثر دانش‌آموختگان جوینده کار در مشاغل غیرمرتبط، اشتغال به کار دارند.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- از نظر دانش‌آموختگان عوامل روان‌شناختی (از قبیل مهار شغلی و خودکارآمدی) در ایجاد اشتغال و بیکاری آنان مؤثر است.
- ۲- از نظر دانش‌آموختگان عوامل اقتصادی در ایجاد اشتغال یا بیکاری آنان مؤثر است.
- ۳- از نظر دانش‌آموختگان عوامل اجتماعی در ایجاد اشتغال یا بیکاری آنان تأثیر دارد.
- ۴- از نظر دانش‌آموختگان عوامل فرهنگی در ایجاد اشتغال یا بیکاری آنان مؤثر است.
- ۵- توان پیش‌بینی مهار شغلی دانش‌آموختگان بیکار، از طریق خودکارآمدی وجود دارد.

روش پژوهش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از نوع پس‌رویدادی است. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموختگان رشته‌های علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء (س) از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۶ می‌باشد. حجم گروه نمونه با توجه به نوع پژوهش ۱۳۰ نفر است. گروه نمونه تحقیق در رشته‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی، مشاوره و راهنمایی و کتابداری و علوم اطلاع‌رسانی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری اشتغال به تحصیل داشته و فارغ‌التحصیل شده‌اند. از ۲۱۴ پرسشنامه ارسالی تعداد ۱۳۰ پرسشنامه به‌طور کامل عودت داده شد و نمونه‌گیری تصادفی براساس فهرست کل دانشجویان فارغ‌التحصیل طی سال‌های ۸۶-۱۳۷۴ که از بخش

آموزش دانشکده‌های مزبور تهیه گردید.

ابزار پژوهش

در این پژوهش از پرسشنامه‌های محقق‌ساخته (عوامل مؤثر بر اشتغال و بیکاری دانش‌آموختگان)، آزمون‌های استاندارد خودکارآمدی شرر (فرم ۱۷ سؤالی) و منبع مهار شغلی اسپکتور (فرم ۱۶ سؤالی) می‌باشد. پایایی پرسشنامه ۴۶ سؤالی محقق‌ساخته که نگرش‌های دانش‌آموختگان را به عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی می‌سنجد، با استفاده از آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۶۱، ۰/۵۸ و ۰/۶۲ به دست آمد. ضریب پایایی پرسشنامه خودکارآمدی عمومی ۰/۸۴ و هم‌چنین پایایی پرسشنامه منبع مهار شغلی اسپکتور ۰/۷۶ برآورد شد. لازم به ذکر است که روایی تمامی آزمون‌ها، توسط چند تن از متخصصان مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی، آمار استنباطی مثل t دو گروه مستقل، مجذور کای و رگرسیون تک متغیری، استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

با توجه به وضعیت اشتغال نمونه‌های تحقیق (شاغل و بیکار)، می‌توان مطرح نمود که از کل دانش‌آموختگان، ۵۸/۶ درصد شاغلین در تهران؛ و ۱۱/۷ درصد شاغلین در شهرستان، اقامت دارند. علاوه بر این، ۲۹/۷ درصد، زنان دانش‌آموخته بیکار را تشکیل می‌دهد. بنابراین اکثریت دانش‌آموختگان تهرانی جذب فرصت‌های شغلی شده‌اند و فرض اول تحقیق مبنی بر این‌که دانش‌آموختگان شهرستانی بیشتر جذب فرصت‌های شغلی می‌شوند، رد می‌شود. با توجه به میزان $\chi^2 = 0/08$ به دست آمده، که حتی در سطح $\alpha = 0/05$ معنی‌دار نیست، می‌توان مطرح نمود که ارتباط معنی‌داری بین «وضعیت اشتغال» با «محل اقامت» وجود ندارد. با این وجود با تأکید بر فراوانی‌های مشاهده شده، عنوان می‌گردد اکثر دانش‌آموختگانی که جذب فرصت‌های شغلی می‌شوند، تهرانی هستند.

شغل مرتبط با رشته تحصیلی خود شده‌اند؛ در حالی که ۲۲/۸ درصد موفق به «کسب شغل مرتبط با رشته تحصیلی خود نشده‌اند» بنابراین فرض دوم تحقیق مبنی بر این‌که اکثر دانش‌آموختگان شاغل در مشاغل غیر مرتبط، اشتغال به کار دارند، رد می‌شود.

نگرش زنان دانش آموخته به عوامل مؤثر بر اشتغال و بیکاری آن‌ها در بازار کار

هم‌چنین اکثریت دانش آموختگان شاغل، ۷۷/۲ درصد موفق به «کسب

جدول ۱. تفاوت میانگین بین نگرش‌های دانش آموختگان شاغل و بیکار به عوامل روانشناختی (۱).

خودکارآمدی ۲. مهار شغلی)

متغیر نگرش‌های روانشناختی	سطوح	میانگین	انحراف معیار	میزان t	درجه آزادی	سطح معنی داری
مهار شغلی	شاغل	۶۲/۷۱	۵/۳۵	۲/۴۲	۱۳۷	۰/۰۲
	بیکار	۶۰/۴۱	۴/۴۹			
خودکارآمدی	شاغل	۶۷/۸۷	۷/۵۵	۸/۸۷	۱۴۰	۰/۰۰۰۳

با توجه به جدول ۱، و مقادیر محاسبه شده t در سطح $\alpha=0/05$ تفاوت میانگین‌ها معنادار است. بدین معنا که مهار شغلی و خودکارآمدی در بین شاغلین بطور معناداری، بالاتر از افراد بیکار می‌باشد. از این رو فرضیه سوم پژوهش، مبنی بر این‌که عوامل روان‌شناختی بر میزان اشتغال و بیکاری دانش آموختگان مؤثر است، تأیید می‌شود.

جدول ۲. تفاوت میانگین بین نگرش‌های دانش آموختگان شاغل و بیکار به

عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

متغیر	سطوح	میانگین	انحراف معیار	میزان t	درجه آزادی	سطح معنی داری
نگرش‌های اقتصادی	شاغل	۲/۹۶	۰/۹۳	۰/۵۵	۱۲۹	۰/۵۸۱
	بیکار	۲/۸۶	۱/۰۳			
نگرش‌های اجتماعی	شاغل	۶/۵۷	۱/۴۶	۰/۱۴	۱۲۵	۰/۸۸۴
	بیکار	۶/۵۲	۱/۶۲			
نگرش‌های فرهنگی	شاغل	۱۳/۸۶	۲/۴۵	۲/۹۲	۱۲۹	۰/۰۰۴

با توجه به جدول ۲ و با تأکید بر میزان‌های t به دست آمده (۰/۵۵، ۰/۱۴، ۰/۹۲) می‌توان مطرح نمود که تفاوت معنی داری بین نگرش دانش آموختگان شاغل و بیکار نسبت به عوامل اقتصادی و اجتماعی وجود ندارد. بنابراین فرضیه چهارم و پنجم تحقیق، رد می‌شود.

هم‌چنین تفاوت معنی داری در سطح $\alpha=0/01$ بین نگرش‌های دانش آموختگان شاغل و بیکار نسبت به عوامل فرهنگی مؤثر بر اشتغال و بیکاری موجود در بازار کار، وجود دارد. میانگین دانش آموختگان شاغل ($M=13/86$) بیشتر از میانگین دانش آموختگان بیکار ($M=12/51$)

می‌باشد. از این‌رو، می‌توانگفت که نگرش دانش‌آموختگان شاغلبه عوامل فرهنگی در مقایسه با دانش‌آموختگان بیکار بالاتر است. بنابراین فرضیه ششم تحقیق تأیید می‌شود.

جدول ۳. رگرسیون تک‌متغیری پیش‌بینی نگرش‌های روان‌شناختی «خودکارآمدی» دانش‌آموختگان بیکار از طریق «مهار شغلی» در ارتباط با شرایط اشتغال و بیکاری

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۴۱۶/۳۹	۱	۴۱/۳۹	۱۲/۳۷	۰/۰۰۱

با توجه به جدول ۳ و با تأکید بر میزان $F=12/37$ بدست آمده، که در سطح $\alpha=0/01$ معنی‌دار است، بنابراین توان پیش‌بینی «مهار شغلی» دانش‌آموختگان بیکار، از طریق «خودکارآمدی» وجود دارد. از این‌رو، ضروری است از جدول ضریب رگرسیون استفاده شود.

جدول ۴. ضریب رگرسیون مرتبط با پیش‌بینی «خودکارآمدی» دانش‌آموختگان بیکار از طریق «مهار شغلی»

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بینی کننده	میزان B	ضریب بتا	میزان t	سطح معنی‌داری
خودکارآمدی	مهار شغلی	۰/۷۵	۰/۵۰	۳/۵۱	۰/۰۰۱

با توجه به جدول ۴ و ضریب حاصله می‌توان مطرح نمود که ارتباط مثبت معنی‌داری بین «مهار شغلی» با «خودکارآمدی»، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با افزایش «مهار شغلی» (کنترل درونی) دانش‌آموختگان، «خودکارآمدی» آنان نیز افزایش و با کاهش آن، «خودکارآمدی» آن‌ها نیز کاهش می‌یابد. از این‌رو فرضیه هفتم پژوهش تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، غیر از بررسی اشتغال دانش‌آموختگان در تهران و شهرستان‌ها و بررسی اشتغال دانش‌آموختگان در مشاغل مرتبط یا غیرمرتبط با رشته‌های تحصیلی آن‌ها، هم‌چنین چهار عامل (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانشناختی) در رابطه با بیکاری زنان دانش‌آموخته مورد بررسی قرار گرفته که می‌توان ابعاد اقتصادی و اجتماعی را به عوامل بیرونی و ابعاد فرهنگی و روانشناختی را به عوامل درونی، نسبت داد.

نگرش زنان دانش آموخته به عوامل مؤثر بر اشتغال و بیکاری آن‌ها در بازار کار

از تحقیقات انجام شده‌ای که در راستای تحقیق حاضر است می‌توان به مطالعات مهدی‌نژاد (۱۳۷۹) و رضازاده محمدی (۱۳۷۸) اشاره کرد که در پژوهش خود گزارش کرده‌اند که ۹۰ درصد از محل تمرکز اشتغال به کار دانش‌آموختگان در مناطق شهری است، در حالی که تنها ۱۰ درصد از میزان اشتغال ایجاد شده مربوط به مناطق روستایی کشور است. علاوه بر این، هاو (۲۰۰۸) نیز در تحقیق خود نشان می‌دهد که دانش‌آموختگان اشتیاقی برای رفتن به شهرهای کوچک و دور ندارند. مطالعه بکایی و همکاران (۱۳۸۵) نیز با نتایج حاصل از این پژوهش همسو است. در ارتباط با نتایج پژوهش‌های همسو با نتایج این تحقیق می‌توان به تحقیق آهنچیان (۱۳۸۵) مبنی بر ارتباط نداشتن بیکاری با عوامل اقتصادی، هم‌چنین پژوهش پورقاسم (۱۳۸۱) و نوروزی و علمی (۱۳۸۲)، اشاره کرد که عوامل فرهنگی را یکی از دلایل مهم مشارکت زنان، عنوان می‌کنند. علاوه بر این، در تحقیق انجام شده توسط زندگی‌پور و همکاران (۱۳۸۴) آن‌ها دریافته‌اند که بین منبع مهار شغلی افراد شاغل و رضایت شغلی آن‌ها همبستگی وجود دارد و هم‌چنین افراد دارای منبع مهار شغلی درونی، از رضایت شغلی بالاتری در مقایسه با افراد دارای منبع مهار شغلی بیرونی، برخوردار بودند که با نتایج پژوهش حاضر مشابهت دارد.

هم‌چنین نتایج این پژوهش با تحقیق ابراهیم کافوری (۱۳۷۲) و آصفی (۱۳۷۵) مبنی بر جذب بیشتر دانش‌آموختگان در مشاغل غیرمرتبط با رشته‌های تحصیلی آن‌ها، مغایرت دارد. از مطالعات غیر همسو با این پژوهش می‌توان به پژوهش موریو و زوکتیزوم (۱۹۸۰) در زمینه عوامل مؤثر بر اشتغال و بیکاری فارغ‌التحصیلان، اشاره کرد که عوامل اقتصادی را به‌عنوان یکی از دلایل عمده بیکاری دانش‌آموختگان مطرح کرده‌اند. هم‌چنین پورقاسم و یعقوبی (۱۳۸۱) و بای (۲۰۰۶) دریافته‌اند که عوامل اجتماعی یکی از دلایل اصلی بیکاری دانش‌آموختگان می‌باشد. تحقیق جرنی (۱۹۸۱) در مطالعه اسنادهای دو گروه شاغل و بیکار فارغ‌التحصیلان استرالیایی (که اسنادهای افراد بیکار بیشتر بیرونی بود و این موضوع در مردان بیکار تأیید شد اما در گروه زنان تفاوت معنادار نبود)، اشاره کرد، هم‌چنین داناوان و آدی (۱۹۸۲) نیز با مطالعه رابطه جنسیت و مرکز کنترل در دو گروه شاغل و بیکار، به نتایج مشابهی دست یافتند با این تفاوت که در پژوهش داناوان و آدی، مردان بیکار بیشتر از زنان دارای اسنادهای بیرونی بودند (به‌عبارت دیگر، منبع کنترل آن‌ها بیرونی بود). مطالعات انجام شده توسط فرن‌هام (۱۹۸۲ و ۱۹۸۳) نیز نشان می‌دهند که افراد بیکار مایل هستند بیکاری را به عوامل خارجی نسبت دهند (به نقل از زندگی‌پور، ۱۳۸۲) که این نتایج با یافته‌های پژوهش حاضر مغایرت دارد.

در یک جمع‌بندی کلی شاید بتوان گفت، مطالعه بازار کار در کشورهای مختلف توسعه یافته و به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه ما را به این نتیجه می‌رساند که مسئله اشتغال و بیکاری به خصوص برای جوانان، زنان و دانش‌آموختگان دانشگاهی به اشکال مختلف و به مقادیر متفاوت

وجود دارد. حرکت در جهت کوچک سازی دولت‌ها، پیشرفت‌های فنی و تکنیکی و حرکت در جهت سرمایه‌گذاری و تجارت، و به خصوص بین شرکت‌های بزرگ و چند ملیتی، باعث شده تقاضا برای نیروی کار در بخش حقوق‌گیری (مزدبگیری) به شدت کاهش یابد. تراکم امکانات و تسهیلات اشتغال در بعضی از شهرها خصوصاً تهران باعث شده که محل جذب و استخدام افراد تحصیل کرده بیشتر از شهرستان‌ها باشد. علاوه بر این، آشنایی مردم با رشته‌هایی چون روانشناسی، علوم تربیتی، مشاوره و کتابداری و احساس نیاز آن‌ها به افراد متخصص در این‌گونه رشته‌ها، خود مدیون تلاش رسانه‌های جمعی است که در آگاهی دادن به جامعه نقش بسزایی دارند. از دلایل دیگر، می‌توان به افزایش مشکلات روانی مردم و توجه کارفرمایان به همخوانی بین رشته تحصیلی و فرصت‌های شغلی کارکنان، خصوصاً در مراکز دولتی، اشاره کرد. مطابق دیدگاه پارسونز^۱، مهم‌ترین وظیفه نظام اقتصادی، ایجاد تطابق با عوامل اجتماعی است. به عبارت دیگر انرژی لازم سایر نظام‌ها از طریق عوامل اقتصادی، تأمین می‌شود. چون عامل اقتصادی بایستی از قدرت ترمیم‌پذیری و پویایی بالایی برخوردار باشد، در این صورت عوامل اجتماعی مختل می‌شود (آهنچیان، ۱۳۸۵). با این وجود موضوع بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها در ایران را باید یک بیکاری ساختاری عنوان نمود. این بیکاری ناشی از رکود و نوسانات اقتصادی نیست که به راحتی با رونق آن بتوان مشکل را برطرف نمود، بلکه علت آن را باید در انتظارات و توقعات داوطلبان ورود به آموزش عالی و دانش‌آموختگان در شبکه روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه جستجو کرد. بدین معنا که آن‌ها انتظار دارند به محض اتمام تحصیلات، به یک فرصت شغلی مناسب و پایدار در بخش اداری و دولتی دست یابند (بیابانی، ۱۳۸۲). تریورن (۱۹۸۶) نیز معتقد است که بیکاری شیطان ناشناخته‌ای نیست که نتوان بر علیه آن کاری انجام داد، چه این بحران در بعضی از کشورها بیش از سایر کشورها مشهود بوده است. چنان‌چه در سال ۱۹۸۴ اوج بحران بیکاری در کشورهای دارای سیستم سرمایه‌گذاری غربی مانند، هلند و سوئد، دو کشور بسیار پیشرفته و برخوردار از رفاه اجتماعی زیاد، به ترتیب دارای نرخ بیکاری ۱۴ و ۳/۵ درصد بودند. شاید یکی از دلایل رو آوردن دانشجویان به سمت دانشگاه‌های غیر انتفاعی، آزاد، پیام نور و... مربوط به گریز از شرایط بیکاری و یا حداقل دیرتر پیوستن به جمع کثیر بیکاران است. نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد، عوامل روانشناختی و فرهنگی در دو گروه شاغل و بیکار، در کسب فرصت‌های شغلی مؤثر است. هم‌چنین، در صورتی که پذیرش دانشجویان بر اساس نیازهای بازار کار صورت گیرد، میزان بیکاری تا حد زیادی می‌تواند کاهش یابد. با توجه به نگرش‌ها و عوامل مختلف مؤثر بر اشتغال و بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی، بایستی برای

1. Parsons

نگرش زنان دانش آموخته به عوامل مؤثر بر اشتغال و بیکاری آن‌ها در بازار کار

حل این معضل از اختیارات و امکانات سازمان‌ها و نهادهای مرتبط جهت برنامه‌ریزی، تهیه و اجرای یک طرح جامع در زمینه اشتغال دانش‌آموختگان بهره برد. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌بایست با ارگان‌های ذیربط برای تدوین طرح جامع عوامل مؤثر بر اشتغال و دستیابی به راهکارهای مناسب برای رفع معضل بیکاری، همکاری نماید.

یافته‌های تربورن (۱۹۸۶) حاکی از آن است که تفاوت در رشد کلی اقتصاد و عرضه کار، بخش کوچکی از تفاوت در سطح بیکاری و افزایش آن را دربرمی‌گیرد. به عبارت دیگر، وابستگی بازار و ساختار اقتصادی در توضیح این‌که چرا بعضی بیکارتر از بعضی دیگرند، بخش کوچکی از مسئله است. وی استقلال فرهنگی و سیاسی را عامل مهم‌تری می‌داند. همچنین ارتباط مثبت معنی‌داری بین «مهار شغلی» (کنترل درونی) با «خودکارآمدی»، مشاهده می‌شود، با افزایش «مهار شغلی»، «خودکارآمدی» نیز افزایش می‌یابد و با کاهش آن، «خودکارآمدی» نیز کاهش می‌یابد. از این‌رو، انجام پژوهش‌هایی مشابه پژوهش حاضر، با گروه‌های نمونه بیشتر، از هر دو جنسیت و در دانشگاه‌های مختلف کشور جهت بررسی دیدگاه‌ها و نگرش‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و شناسایی بهتر و بیشتر مسائل موجود در مسیر بیکاری آن‌ها و افزایش منابع و تقویت امکانات موجود در بازار کار برای استفاده از دانش و مهارت‌های آنان، توصیه می‌گردد.

منابع

- آصفی، مهدی. (۱۳۷۵). بررسی وضعیت شغلی فارغ‌التحصیلان رشته علوم تربیتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- آهنچیان، محمدرضا. (۱۳۸۵). بیکاری و اشتغال فارغ‌التحصیلان نظام آموزش عالی. مقاله.
- ابراهیم کافوری، اکرم. (۱۳۷۲). بررسی وضعیت فارغ‌التحصیلان رشته روان‌شناسی. طرح تحقیقی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- ارفعی، شیلا. (۱۳۸۶). بحران بزرگ: بیکاری تحصیل کرده‌ها، سازمان همیاری و اشتغال فارغ‌التحصیلان، نظام جامع اطلاع‌رسانی اشتغال.
- بکایی، مهشید و همکاران. (۱۳۸۵). بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان مامایی دانشکده پرستاری مامایی دانشگاه شهید صدوقی یزد. طرح تحقیقی. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی شهید صدوقی یزد.
- بیابانی، جهانگیر. (۱۳۸۲). بررسی علل و عوامل بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در چارچوب نظرات مرتبط با انواع بیکاری ساختاری. مجموعه مقالات برگزیده و خلاصه مقالات پذیرفته شده اولین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور.
- پور قاسم، شهلا. (۱۳۸۱). بررسی وضعیت اشتغال زنان تحصیل کرده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی دکتر شهلا کاظمی پور. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

زندی پور، طیبه. (۱۳۸۲). نظام مطلوب اطلاع رسانی شغلی، همایش نقش اطلاع رسانی شغلی در بازار کار.

زندی پور، طیبه. نجفلویی، فاطمه. یادگاری، هاجر. (۱۳۸۴). رابطه منبع مهار شغلی و گذشت با رضایت شغلی در کارکنان دانشگاه الزهرا (س). پژوهش.

سلجوقی، خسرو. (۱۳۸۵). اقتصاد مبتنی بر دانش. سومین کنگره بین‌المللی و دهمین کنگره سراسری همکاری‌های دولت، دانشگاه و صنعت. ۲۱ لغایت ۲۳ آذر ۱۳۸۵.

شریعتی، سارا. (۱۳۸۸). افزایش یافتن زنان در آموزش عالی؟ مساله این نیست! مقاله. قاف نشریه الکترونیک توسعه علمی ایران. سال سوم، شماره بیستم.

طباطبائی، شهناز. (۲۰۰۳). مطالعه عزت نفس و سلامت روان معلولان جسمی حرکتی و افراد عادی در ارتباط با شرایط اشتغال آنها در ایران. تز دکترای تخصصی در رشته روانشناسی، دانشگاه پنجاب - چندینگر، هندوستان.

قانع‌راد، محمد امین. (۱۳۸۷). اشتغال، حرفه گرایی و تولید فرهنگی. متن سخنرانی در کارگاه تخصصی پیش همایش علوم انسانی و چالش اشتغال.

محمدی، علیرضا. (۱۳۸۶). وضعیت زنان دارای تحصیلات عالی در بازار کار ایران چگونه است؟ مقاله. مهدی نژاد، ولی. (۱۳۷۹). بررسی نظرات فارغ التحصیلان ۱۳۷۵ - ۱۳۷۲ رشته های محض دانشکده علوم پایه دانشگاه سیستان و بلوچستان در مورد چگونگی جذب و اشتغال در بازار کار. تحقیق.

نوروزی، لادن. علمی، زهرا. (۱۳۸۲). بررسی روند اشتغال فارغ التحصیلان نظام آموزش عالی با نگاه ویژه بر وضعیت زنان. مجموعه مقالات برگزیده و خلاصه مقالات پذیرفته شده اولین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، تهران ۲۹ و ۳۰ مهر ماه ۱۳۸۲.

یعقوبی، داریوش. (۱۳۸۱). بررسی نقش رفتاری دانش آموختگان (مرکزی نشینی، شهرنشینی، انتظارات، بی‌علاقگی به بخش سنتی و ...) بر بیکاری آن‌ها. سمینار ارائه نتایج طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص، ۲۱ و ۲۲ خرداد ۱۳۸۱. گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

Bai, Limin. (2006). Graduate unemployment. *Dilemmas and challenges in China's move to mass higher education*. The China quarterly, Vol.185, 128-144.

Chandrasiri, Sunil. (2008). The labour market experience of university graduates in Sri Lanka. *Higher education policy*, Vol.21, Num 3, September 2008, pp.405-423.

Hua, Xin. (2008). 20% of university graduates fail to find jobs in 2007, Article.

Morio, Simone. Zocizoum, Yarrise. (1980). *United Nations Educational, Scientific, and Cultural Organization*, Paris (France). Repotr, Research.

Pauw, K. Oosthuizen, m. Van der westhuizen, c. (2008). Graduate unemployment in the face of skill shortages, Alabour market paradox. *South Africa Journal of Economics*, Vol.76, Num 1, March 2008, pp. 45-57.

Taylor, Jeannette. (2005). Recruiting university graduates for the public sector, an Australian case study. *International Journal of public sector management*, Vol.18, Issue :6, page 514-533.

Therborn, Goran. (1986). *why some people are more unemployment than others: The*

نگرش زنان دانش آموخته به عوامل مؤثر بر اشتغال و بیکاری آنها در بازار کار

strange paradox of growth and unemployment: Thetsord Tress

Zulkifli, Musa. (2008). *5 Reasons why graduates are unemployed?* Featured articles.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی